

طرح

قانون اساسی افغانستان

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه:

تاریخ پر افتخار میهن محبوب ما افغانستان مشحون از مبارزات و مجاهدت‌های قهرمانه مردم دلیر ما به خاطر استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت ملی، وحدت ملی، آزادی و ترقی اجتماعی می‌باشد.

در مرحله کنونی ما نمایندگان قاطبه مردم افغانستان:

- با ایمان راسخ به ذات پاک خداوند(ج) و توکل به مشیت حق تعالی و اعتقاد به دین مقدس اسلام،
- با تقدیر از فداکاری‌ها، مبارزات تاریخی مردم آزاده افغانستان و ارج گذاری به مقام والای شهدای راه آزادی، آبادی و استقلال کشور،
- با آموختن از درس‌های تاریخی و تحولاتیکه در میهن ما و جهان معاصر رونما گردیده است،
- با رعایت اساسات دین مقدس اسلام و سنن و شعائر پسندیده مردم افغانستان،
- با درک از حقایق تاریخ و فرهنگ کشور و این که افغانستان خانه مشترک همه اقوام و اقشار اجتماعی و مذهبی مردم این سر زمین می‌باشد،
- به منظور، تأمین صلح، تحکیم وحدت ملی، حراست از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی کشور،
- به منظور تاسیس نظام اسلامی مبتنی بر اراده و آرای مردم افغانستان،
- به منظور ایجاد جامعه قانونمدار، عاری از ظلم، استبداد، تبعیض و خشونت و مبتنی بر اصول عدالت، ترقی، رفاه اجتماعی، کرامت انسانی و حقوق و آزادی‌های بشری،
- و سر انجام به منظور تثبیت جایگاه شایسته افغانستان در بین ملل جهان،

در لویه جرگه تاریخی در کابل پایتخت افغانستان مستقل جمع آمده این قانون

اساسی را به داخل یکصد و هفتاد و هشت ماده به مثابه عالیترین وثیقه ملی تصویب نمودیم.

فصل اول

دولت

ماده اول:

افغانستان، دولت جمهوری اسلامی، مستقل، متحد و غیر قابل تجزیه می باشد.

ماده دوم:

دین دولت جمهوری اسلامی افغانستان، دین مقدس اسلام است.

پیروان سایر ادیان در پیروی از دین و اجرای مراسم دینی شان در حدود احکام قانون آزاد می باشند.

ماده سوم:

در افغانستان هیچ قانون مخالف اساسات دین مقدس اسلام وضع نمی گردد.

ماده چهارم:

حاکمیت ملی در افغانستان به ملت تعلق دارد که به طور مستقیم یا توسط نمایندگان خود آن را اعمال می کند.

ملت افغانستان عبارت است از تمام افرادی که تابعیت افغانستان را دارا باشند.

ملت افغانستان متشکل از اقوام پشتون، تاجک، هزاره، ازبک، ترکمن، بلوچ، پشه یی، نورستانی، ایماق، عرب، قرغیز، قزلباش، گوجر، براهوی و سایر اقوام می باشد.

هیچ فرد از افراد ملت از تابعیت افغانستان محروم نمی گردد.

امور مربوط به تابعیت و پناهندگی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده پنجم:

تطبیق احکام این قانون اساسی و سایر قوانین، دفاع از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی و تأمین امنیت و قابلیت دفاعی کشور از وظایف اساسی دولت می باشد.

ماده ششم:

دولت به ایجاد یک جامعه مرفه و مترقی بر اساس عدالت اجتماعی، حفظ کرامت انسانی، حمایت حقوق بشر، تحقق دموکراسی، تأمین وحدت ملی، برابری بین همه اقوام و قبایل و انکشاف متوازن در همه مناطق کشور مکلف می باشد.

ماده هفتم:

دولت افغانستان به رعایت منشور ملل متحد، معاهدات بین الدول، اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاق های بین المللی که افغانستان به آن ملحق شده است، متعهد می باشد.

دولت از هر نوع اعمال تروریستی، زرع مواد مخدر، تولید، توزیع، قاچاق و استعمال مخدرات و مسکرات طبق احکام قانون جلوگیری می کند.

ماده هشتم:

دولت سیاست خارجی کشور را بر مبنای حفظ استقلال، منافع ملی، تمامیت ارضی و رعایت اصول عدم مداخله، حسن همجواری، همزیستی مسالمت آمیز، احترام متقابل و تساوی حقوق تنظیم می نماید.

ماده نهم:

معادن، جنگلات عمومی، آب دریاها و تالاب های بزرگ آب، شاه راه ها و آثار باستانی ملکیت دولت می باشد. حفاظت و اداره املاک دولت و طرز استفاده درست از منابع طبیعی و سایر املاک عامه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده دهم:

دولت، سرمایه گذاریها و تشبثات اقتصادی مبتنی بر نظام مختلط اعم از دولتی و خصوصی و رقابت سالم بین آنها را تنظیم و مطابق به احکام قانون حمایت و تضمین می نماید.

ماده یازدهم:

امور مربوط به تجارت داخلی و خارجی، مطابق به ایجابات اقتصادی کشور و مصالح مردم، توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده دوازدهم:

افغانستان دارای یک بانک مرکزی می باشد.

بانک مرکزی (افغانستان بانک) در اجراءات خود مستقل بوده، نشر پول و طرح و تطبیق سیاست پولی کشور، مطابق به احکام قانون از صلاحیت بانک مرکزی می باشد.

بانک مرکزی در مورد چاپ پول با کمیسیون اقتصادی ولسی جرگه مشوره می نماید.

تشکیل و طرز فعالیت بانک مرکزی و سایر فعالیت های بانکی در افغانستان توسط قانون تنظیم می شود.

ماده سیزدهم:

دولت برای انکشاف صنایع، رشد تولید، ارتقای سطح زندگی مردم و حمایت از فعالیتهای پیشه وران، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

ماده چهاردهم:

دولت برای انکشاف زراعت و مالداری، بهبود شرایط اقتصادی، اجتماعی و معیشتی دهقانان و مالداران و اسکان و بهبود زندگی کوچیان، در حدود بنیه مالی دولت، پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

دولت به منظور تهیه مسکن و توزیع ملکیت‌های عامه برای اتباع مستحق، مطابق به احکام قانون و در حدود امکانات مالی، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

ماده پانزدهم:

دولت مکلف است در مورد حفظ و بهبود جنگلات و محیط زیست تدابیر لازم اتخاذ نماید.

ماده شانزدهم:

از جمله زبانهای دری، پشتو، ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی، نورستانی، پامیری و سایر زبانهای رایج در کشور، دری و پشتو دو زبان ملی و رسمی افغانستان می باشند.

در مناطقیکه اکثریت مردم به یکی از زبانهای ازبکی، ترکمنی، بلوچی، پشه‌یی، نورستانی و یا پامیری تکلم می نمایند آن زبان علاوه بر دری و پشتو به حیث زبان سوم رسمی می باشد و نحوه تطبیق آن توسط قانون تنظیم می گردد.

دولت برای تقویت و انکشاف همه زبانهای افغانستان پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید.

نشر مطبوعات و رسانه‌های گروهی به تمام زبانهای رایج در کشور آزاد می باشد.

ماده هفدهم:

مبدأ تقویم کشور بر هجرت پیغمبر اکرم (ص) استوار است.

مبنای کار ادارات دولتی تقویم هجری شمسی می باشد.

روزهای جمعه و ۲۸ اسد تعطیل عمومی است. سایر رخصتی‌ها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده هجدهم:

بیرق افغانستان مرکب است از: سه قطعه با رنگهای سیاه، سرخ و سبز که به صورت عمودی، به اندازه های مساوی، از چپ به راست، در کنار هم واقع شده، عرض هر قطعه برابر نصف طول آن است و در وسط آن نشان ملی افغانستان قرار دارد.

نشان ملی افغانستان عبارت از محراب و منبر به رنگ سفید می باشد که در دو گوشه آن دو بیرق و در وسط آن در قسمت فوقانی، کلمه مبارک لا اله الا الله محمد رسول الله و الله اکبر و اشعه خورشید در حال طلوع و در قسمت تحتانی آن تاریخ ۱۲۹۸ هجری شمسی و کلمه افغانستان، جا داشته و از دو طرف باخوشه های گندم احاطه شده است. طرز استفاده از بیرق و نشان ملی توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده نوزدهم:

سرود ملی افغانستان به یکی از زبان های ملی که اکثریت مردم افغانستان از اقوام مختلف در همه ولایات کشور به آن بلدیت داشته و تکلم کرده می توانند، طبق احکام قانون تعیین می گردد.

ماده بیستم:

پایتخت افغانستان شهر کابل می باشد.

فصل دوم

حقوق اساسی و وجایب اتباع

ماده بیست و یکم:

هر نوع تبعیض و امتیاز بین اتباع افغانستان ممنوع است.

اتباع افغانستان اعم از زن و مرد در برابر قانون دارای حقوق و وجایب مساوی می باشند.

ماده بیست و دوم:

زندگی موهبت الهی و حق طبیعی انسان است. هیچ شخص بدون مجوز قانونی از این حق محروم نمی گردد.

ماده بیست و سوم:

آزادی حق طبیعی انسان است. این حق جز آزادی دیگران و مصالح عامه که توسط قانون تنظیم می گردد، حدودی ندارد.

آزادی و کرامت انسان از تعرض مصئون است.

دولت به احترام و حمایت آزادی و کرامت انسان مکلف می باشد.

ماده بیست و چهارم:

برائت ذمه حالت اصلی است.

متهم تا وقتی که به حکم قطعی محکمه با صلاحیت محکوم علیه قرار نگیرد، بی گناه شناخته می شود.

ماده بیست و پنجم:

جرم یک عمل شخصی است.

تعقیب، گرفتاری یا توقیف متهم و تطبیق جزأ بر او به شخص دیگری سرایت نمی کند.

ماده بیست و ششم:

هیچ عملی جرم شمرده نمی شود مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

هیچ شخص را نمی توان تعقیب، گرفتار و یا توقیف نمود مگر بر طبق احکام قانون.

هیچ شخص را نمی توان مجازات نمود مگر به حکم محکمه با صلاحیت و مطابق به احکام قانونی که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

ماده بیست و هفتم:

هیچ یک از اتباع افغانستان به علت اتهام به جرم، به دولت خارجی سپرده نمی شود مگر بر اساس معامله بالمثل و معاهدات بین الدول که افغانستان آن را عقد کرده باشد.

هیچ یک از اتباع افغانستان به سلب تابعیت و یا تبعید در داخل یا خارج کشور محکوم نمی شود.

ماده بیست و هشتم:

تعذیب انسان ممنوع است.

هیچ شخص نمی تواند حتی به مقصد کشف حقایق از شخص دیگر، اگرچه تحت تعقیب، گرفتاری یا توقیف و یا محکوم به جزا باشد، به تعذیب او اقدام کند یا امر بدهد.
تعیین جزایی که مخالف کرامت انسانی باشد، ممنوع است.

ماده بیست و نهم:

اظهار، اقرار و شهادتی که از متهم یا شخص دیگری به وسیله اکراه به دست آورده شود، اعتبار ندارد.
اقرار به جرم عبارت است از اعتراف متهم با رضایت کامل و در حالت صحت عقل، در حضور محکمه با صلاحیت.

ماده سی ام:

هر شخص می تواند برای دفع اتهام به مجرد گرفتاری و یا برای اثبات حق خود، وکیل مدافع تعیین کند.
متهم حق دارد به مجرد گرفتاری، از اتهام منسوب اطلاع یابد و در داخل میعاد که قانون تعیین می کند در محکمه حاضر گردد.

دولت در قضایای جنایی برای متهم بی بضاعت وکیل مدافع تعیین می نماید.

محرمیت مکالمات، مراسلات و مخابرات بین متهم و وکیل آن، از هر نوع تعرض مصون می باشد.

وظایف و صلاحیت های وکلای مدافع توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده سی و یکم:

مدیون بودن شخص موجب سلب یا محدود شدن آزادی وی نمی شود. در صورتیکه شخص به غرض فرار از ادای دین قصد خروج از کشور نماید، آزادی سفر وی محدود شده می تواند.

طرز و وسایل تحصیل دین توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و دوم:

اتباع افغانستان حق انتخاب کردن و انتخاب شدن را دارا می باشند.

شرایط و طرز استفاده از این حق توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و سوم:

آزادی بیان از تعرض مصون است.

هر تبعه افغانستان حق دارد فکر خود را به وسیله گفتار، نوشته، تصویر و یا وسایل دیگر، با رعایت احکام مندرج این قانون اساسی اظهار نماید.

هر تبعه افغانستان حق دارد مطابق به احکام قانون، به طبع و نشر مطالب، بدون ارائه قبلی آن به مقامات دولتی، پردازد.

احکام مربوط به مطابع، رادیو و تلویزیون، نشر مطبوعات و سایر وسایل ارتباط جمعی توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده سی و چهارم:

اتباع افغانستان حق دارند به منظور تامین مقاصد مادی و یا معنوی، مطابق به احکام قانون، جمعیتها تاسیس نمایند.

اتباع افغانستان حق دارند، مطابق به احکام قانون، احزاب سیاسی تشکیل دهند، مشروط بر اینکه:

۱- مرامنامه و اساسنامه حزب، مخالف اساسات دین مقدس اسلام، استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی نه باشد.

۲- در رسیدن به اهداف خود، استفاده از روش های خشونت آمیز را منع قرار داده باشد.

۳- تشکیلات و منابع مالی حزب علنی باشد.

۴- اهداف و تشکیلات نظامی و شبه نظامی نداشته باشد.

۵- وابسته به حزب سیاسی و یا دیگر منابع خارجی نباشد.

۶- بر مبنای قومیت، سمت، زبان و مذهب فقهی تاسیس نشده باشد.

جمعیت و حزبی که مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد، بدون موجبات قانونی و حکم محکمه با صلاحیت منحل نمی شود.

ماده سی و پنجم:

اتباع افغانستان حق دارند برای تامین مقاصد جایز و صلح آمیز، بدون حمل سلاح، طبق قانون اجتماع و تظاهرات نمایند.

ماده سی و ششم:

آزادی و محرمانه بودن مراسلات و مخابرات اشخاص چه به صورت مکتوب باشد و چه به وسیله تلیفون، تلگراف و وسایل دیگر، از تعرض مصون است.

دولت حق تفتیش مراسلات و مخابرات اشخاص را ندارد، مگر مطابق به احکام قانون.

ماده سی و هفتم:

مسکن شخص از تعرض مصون است. هیچ شخص، به شمول نماینده دولت، نمی تواند بدون اجازه ساکن یا قرار محکمه با صلاحیت و به غیر از حالات و طرزی که در قانون تصریح شده است، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش نماید.

در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می تواند بدون اجازه قبلی محکمه، به مسکن شخص داخل شود یا آن را تفتیش کند. مامور مذکور مکلف است بعد از داخل شدن یا اجرای تفتیش، در خلال مدتی که قانون تعیین می کند قرار محکمه را حاصل نماید.

ماده سی و هشتم:

هر تبعه افغانستان حق دارد به هر نقطه کشور سفر نماید و مسکن اختیار کند، مگر در مناطقی که قانون ممنوع قرار داده است.

هر تبعه افغانستان حق دارد مطابق به احکام قانون به خارج از افغانستان سفر نماید و به آن عودت کند.

دولت از حقوق اتباع افغانستان در خارج از کشور حمایت می نماید.

ماده سی و نهم:

ملکیت از تعرض مصون است.

هیچ شخص از کسب ملکیت و تصرف در آن منع نمی شود، مگر در حدود احکام قانون.

ملکیت هیچ شخص، بدون حکم قانون و فیصله محکمه با صلاحیت مصادره نمی شود.

استملاک ملکیت شخص، تنها به مقصد تأمین منافع عامه، در بدل تعویض قبلی و عادلانه، به موجب قانون مجاز می باشد.

تفتیش و اعلان دارایی شخص، تنها به حکم قانون صورت می گیرد.

مادهٔ چهارم:

اشخاص خارجی در افغانستان حق ملکیت عقاری را ندارند.
استفاده از عقار به منظور سرمایه گذاری، مطابق به احکام قانون مجاز می باشد.

مادهٔ چهل و یکم:

هر تبعه افغانستان مکلف است مطابق به احکام قانون به دولت مالیه و محصول تأدیه کند.
هیچ نوع مالیه و محصول، بدون حکم قانون، وضع نمی شود.
اندازه مالیه و محصول و طرز تأدیه آن، با رعایت عدالت اجتماعی، توسط قانون تعیین میگردد.
این حکم در مورد اشخاص و موسسات خارجی نیز تطبیق میشود.
هر نوع مالیه، محصول و عواید تأدیه شده، به حساب واحد دولتی تحویل داده می شود.

مادهٔ چهل و دوم:

داشتن مسکن و دسترسی به خدمات معیشتی، حق اتباع افغانستان است. دولت مکلف است جهت تأمین سرپناه
آبرومندانان برای هر خانواده، پروگرام عملی را طرح و تطبیق نماید.

ماده چهل و سوم:

تعلیم حق تمام اتباع افغانستان است که تا درجه لیسانس در مؤسسات تعلیمی دولتی به صورت رایگان از طرف دولت
تأمین می گردد.

دولت مکلف است برای ارتقاء و تعمیم متوازن معارف در تمام افغانستان، تأمین تعلیمات ابتدائیه و متوسطه اجباری،
سواد آموزی، انکشاف تعلیمات دینی، تنظیم و بهبود وضع مساجد و مدارس دینی، پروگرام مؤثر طرح و تطبیق نماید
و زمینه تدریس به زبانهای مادری را در مناطقی که به آنها تکلم می کنند، فراهم کند.

مادهٔ چهل و چهارم:

دولت نصاب واحد تعلیمی را مطابق با اصول علمی، طرح و تطبیق می کند و نصاب تعلیمات دینی مکاتب و مدارس
را بر مبنای اساسات دین مقدس اسلام و مذاهب اسلامی موجود در افغانستان تدوین و تطبیق می نماید.

مادهٔ چهل و پنجم:

تأسیس و ادارهٔ تعلیمات عالی عمومی و اختصاصی وظیفه دولت است. شرایط شمول در مؤسسات تعلیمات عالی دولتی و سایر امور مربوط به آن، توسط قانون تنظیم میگردد. دولت می تواند تأسیس مؤسسات تعلیمات عالی عمومی و اختصاصی و تعلیمات ابتدائی، متوسط و سواد آموزی را به اتباع افغانستان و اشخاص خارجی نیز مطابق به احکام قانون اجازه دهد.

مادهٔ چهل و ششم:

دولت برای پیشرفت علم، فرهنگ، ادب و هنر پروگرامهای مؤثر طرح و تطبیق می نماید. دولت حقوق مؤلف، مخترع و کاشف را تضمین می نماید و تحقیقات علمی را در تمام عرصه ها تشویق و حمایت می کند و استفاده مؤثر از نتایج آن را، مطابق به احکام قانون، تعمیم می بخشد.

مادهٔ چهل و هفتم:

کار حق هر تبعه افغانستان است. ساعات کار، مزد، حقوق کارکن و سایر امور مربوط به آن توسط قانون تنظیم می گردد. تحمیل کار بصورت اجباری ممنوع است. سهم گیری فعال در حالت جنگ، آفات و سایر حالاتی که حیات و آسایش عامه را تهدید کند، از وجایب ملی هر تبعه افغانستان می باشد. تحمیل کار بر اطفال جواز ندارد.

مادهٔ چهل و هشتم:

دولت مکلف است به منظور ایجاد اداره سالم و تحقق اصلاحات دوامدار در سیستم اداری کشور تدابیر لازم اتخاذ نماید. اداره اجراآت خود را با بیطرفی کامل و مطابق به احکام قانون عملی می سازد. اتباع افغانستان بر اساس اهلیت و بدون هیچگونه تبعیض و به موجب احکام قانون به خدمت دولت پذیرفته می شوند. اتباع افغانستان حق دسترسی به اطلاعات از ادارات دولتی را در حدود احکام قانون دارا می باشند. این حق جز صدمه به حقوق دیگران و امنیت عامه حدودی ندارد.

مادهٔ چهل و نهم:

هر شخص که از اداره بدون موجب متضرر شود مستحق جبران خساره می باشد و می تواند برای حصول آن در محکمه دعوا اقامه کند.

به استثنای حالاتیکه در قانون تصریح میگردد، دولت نمی تواند بدون حکم محکمه باصلاحیت به تحصیل حقوق خود اقدام کند.

مادهٔ پنجاهم:

داشتن صحت و دسترسی به خدمات صحی، حق اتباع افغانستان است.

دولت وسایل وقایه و علاج امراض و تسهیلات صحی رایگان را برای همه اتباع مطابق به احکام قانون تامین مینماید.

دولت تأسیس و توسعه خدمات طبی و مراکز صحی خصوصی را مطابق به احکام قانون تشویق و حمایت می کند.

دولت به منظور تقویت تربیت بدنی سالم و انکشاف ورزشهای ملی و محلی تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

مادهٔ پنجاه و یکم:

دولت به منظور تنظیم خدمات طبی و مساعدت مالی برای بازماندگان شهدا و مفقودین و برای باز توانی معلولین و معیوبین و سهم گیری فعال آنان در جامعه، مطابق به احکام قانون، تدابیر لازم اتخاذ می نماید.

دولت حقوق متقاعدین را تضمین نموده، برای کهن سالان، زنان بی سرپرست، معیوبین و معلولین و ایتم بی بضاعت مطابق به احکام قانون کمک لازم به عمل می آورد.

مادهٔ پنجاه و دوم:

خانواده بحیث رکن اساسی جامعه، مورد حمایت دولت قرار دارد.

دولت به منظور تأمین سلامت جسمی و روحی خانواده، بالاخص طفل و مادر، تربیت اطفال و برای از بین بردن رسوم مغایر با احکام دین مقدس اسلام تدابیر لازم اتخاذ می کند.

مادهٔ پنجاه و سوم:

دفاع از وطن وجبیه تمام اتباع افغانستان است.

شرایط اجرای دورهٔ مکلفیت عسکری توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده پنجاه و چهارم:

پیروی از احکام قانون اساسی، آگاهی و اطاعت از احکام قوانین و رعایت نظم و امن عامه و جیبه تمام مردم افغانستان است.

ماده پنجاه و پنجم:

دولت حقوق و آزادی های اتباع خارجی را در افغانستان، طبق قانون تضمین می کند. این اشخاص در حدود قواعد حقوق بین المللی به رعایت قوانین دولت افغانستان مکلف می باشند.

ماده پنجاه و ششم:

هیچ شخص نمی تواند با سوء استفاده از حقوق و آزادی های مندرج این قانون اساسی، بر ضد استقلال، تمامیت ارضی، حاکمیت و وحدت ملی عمل کند.

فصل سوم

لویه جرگه

ماده پنجاه و هفتم:

لویه جرگه عالیترین مظهر اراده مردم افغانستان می باشد.

لویه جرگه متشکل است از:

۱- اعضای شورای ملی.

۲- سه سه تن از میان اعضای شوراها و ولایتی به انتخاب آن شوراها.

اعضای محکمه قانون اساسی و محکمه عالی، رؤسای کمیسیون های مستقل انتخابات و حقوق بشر، دادستان کل (لوی خازنوال) و ده نفر از اشخاص نخبه علمی، سیاسی و حقوقدان به تعیین رئیس جمهور، بدون داشتن حق رأی، در جلسات لویه جرگه اشتراک و ابراز نظر نموده میتوانند.

با ختم اجلاس لویه جرگه، عضویت در آن، به استثنای افرادی که عضو شورای ملی باشند، نیز خاتمه می یابد.

ماده پنجاه و هشتم:

لویه جرگه در حالات ذیل دایر می گردد:

۱- اتخاذ تصمیم در مورد مسایل مربوط به استقلال، حاکمیت ملی، تمامیت ارضی و مصالح علیای کشور.

- ۲- تعدیل و تفسیر احکام این قانون اساسی.
- ۳- انتخاب رئیس جمهور و اعضای محکمه قانون اساسی و عزل آن‌ها.
- ۴- محاکمه رئیس جمهور مطابق احکام مندرج ماده‌های هفتاد و دوم و هفتاد و سوم این قانون اساسی.
- ۵- تصویب نتایج مراجعه به آرای عامه (همه پرسی).

ماده پنجاه و نهم:

لویه جرگه در اولین جلسه خود، تحت ریاست مؤقتی رئیس ولسی جرگه از میان اعضاء یک تن را به حیث رئیس و یک تن را به حیث معاون و دو تن را به حیث منشی و نایب منشی انتخاب می‌کند.

ماده شصتم:

نصاب لویه جرگه هنگام رأی دهی با حضور سه بر چهارم اعضاء آن تکمیل می‌گردد. تصامیم لویه جرگه جز در مواردیکه در این قانون اساسی صریحاً ذکر گردیده با اکثریت آرای کل اعضاء اتخاذ می‌گردد.

ماده شصت و یکم:

مباحثات لویه جرگه علنی می‌باشد مگر اینکه یک ربع اعضاء حاضر، سری بودن آنرا در خواست نمایند و لویه جرگه این درخواست را به اکثریت آرای اعضاء حاضر بپذیرد.

ماده شصت و دوم:

در هنگام دایر بودن لویه جرگه، احکام مندرج مواد نود و هشتم و نود و نهم این قانون اساسی، در مورد اعضاء آن تطبیق می‌گردد.

فصل چهارم

رئیس جمهور

ماده شصت و سوم:

رئیس جمهور در رأس دولت جمهوری اسلامی افغانستان قرار داشته، صلاحیت های خود را در عرصه های اجرائی، تقنینی و قضائی مطابق به احکام این قانون اساسی اعمال می نماید.

رئیس جمهور توسط لویه جرگه برای مدت پنج سال انتخاب می شود.

رئیس جمهور دارای یک معاون می باشد.

کاندیدان ریاست جمهوری، نام معاون خود را همزمان با کاندید شدن، به لویه جرگه اعلام میدارند.

ماده شصت و چهارم:

برای انتخاب رئیس جمهور جدید، لویه جرگه یک ماه قبل از پایان دوره کار رئیس جمهور، دایر می‌گردد. در صورتی که رئیس جمهور و یا معاون وی به تدویر لویه جرگه اقدام نوزند، صدراعظم مکلف به دعوت لویه جرگه می‌باشد.

ماده شصت و پنجم:

شخصی که به ریاست جمهوری کاندید می‌گردد، واجد شرایط ذیل می‌باشد:

- ۱- تبعه افغانستان، مسلمان و والدین وی نیز تبعه افغانستان بوده باشد.
 - ۲- تابعیت کشور دیگر را نداشته و دارای همسر خارجی نباشد.
 - ۳- در روز کاندید شدن سن وی از چهل سال کمتر و از هفتاد سال بیشتر نباشد.
 - ۴- به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت از طرف محکمه با صلاحیت محکوم به مجازات و محروم از حقوق مدنی نه شده باشد.
 - ۵- دارای تعلیمات عالی حد اقل لیسانس و تجارب ده ساله در امور رهبری و یا مدیریت باشد.
 - ۶- معلول، معیوب و یا مصاب به مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه گردد، نباشد.
 - ۷- دو دوره متواتر و یا غیر متواتر به حیث رئیس جمهور منتخب ایفای وظیفه نکرده باشد.
- احکام مندرج فقره‌های ۱ الی ۶ این ماده در مورد معاون کاندید ریاست جمهوری نیز تطبیق می‌گردد.

ماده شصت و ششم:

انتخابات برای احراز کرسی ریاست جمهوری از طریق آرای آزاد، سری، مساوی و مستقیم اعضای لویه جرگه صورت می‌گیرد.

برای انتخاب شدن به کرسی ریاست جمهوری، به تعداد ۳ تا ۵ تن از اشخاص واجد شرایط، از میان اعضای لویه جرگه و یا خارج از آن، از طرف کمیته (۲۵) عضوی که توسط لویه جرگه مؤظف می‌گردد، به حیث کاندیدان ریاست جمهوری گزینش و به جلسه لویه جرگه معرفی می‌شوند.

هر کاندیدی که اکثریت بیشتر از سه بر پنجم آرای کل اعضای لویه جرگه را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می‌شود.

هرگاه در مرحله اول رای دهی، هیچ یک از کاندیدان، اکثریت بیش از سه بر پنجم آرای کل اعضای لویه جرگه را کسب نتواند، رای گیری مرحله دوم در خلال یک هفته صورت می گیرد.

هرگاه در این مرحله نیز اکثریت سه بر پنجم حاصل نگردد، در مرحله سوم که در خلال چهل و هشت ساعت صورت می گیرد، تنها به دو کاندیدی که بیشترین آراء را در مرحله دوم کسب کرده اند، رای داده می شود.

کاندیدی که در این مرحله اکثریت آراء معتبر اعضای حاضر لویه جرگه را کسب کند، رئیس جمهور شناخته می شود.

در صورت تساوی آراء، به کاندیدی که دارای تعلیمات و یا تجربه کاری بیشتر باشد، ارجحیت داده می شود.

ماده شصت و هفتم:

رئیس جمهور و معاون وی قبل از تصدی وظیفه، حلف آتی را توسط رئیس محکمه قانون اساسی، در برابر اعضای لویه جرگه به جا می آورند:

"بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بزرگ (جل جلاله) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را اطاعت و از آن حمایت کنم.

قانون اساسی و سایر قوانین را رعایت و از تطبیق آن مواظبت نمایم.

از استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی افغانستان حراست و حقوق و منافع مردم افغانستان را حفاظت کنم و با استعانت از بارگاه پروردگار متعال و پشتیبانی ملت، مساعی خود را در راه سعادت و ترقی مردم افغانستان بکار برم."

ماده شصت و هشتم:

رئیس جمهور دارای صلاحیت ها و وظایف ذیل می باشد:

۱- مراقبت از اجرای قانون اساسی و سایر قوانین.

۲- قیادت اعلاى قوای مسلح افغانستان.

۳- اعلان حرب و متارکه به تائید مشرانو جرگه.

۴- اتخاذ تصمیم لازم در حالت دفاع از تمامیت ارضی و حفظ استقلال.

۵- فرستادن قطعات قوای مسلح به خارج از افغانستان به تائید مشرانو جرگه.

۶- دعوت به تدویر لویه جرگه به استثناء حالت مندرج ماده هفتاد و سوم این قانون اساسی.

- ۷- اعلان حالت اضطرار به تائید مشرانو جرگه و خاتمه دادن به آن.
- ۸- اتخاذ تصمیم به انتقال مؤقت پایتخت به شهر دیگری افغانستان، در حالت اضطرار، به پیشنهاد حکومت بعد از تائید شورای ملی.
- ۹- افتتاح لویه جرگه و اجلاسیه‌های دوره‌های تقنینی شورای ملی.
- ۱۰- قبول استعفای معاون رئیس جمهور.
- ۱۱- تعیین صدراعظم و قبول استعفای وی.
- ۱۲- منظوری تقرر معاون صدراعظم، وزراء و رؤسای ادارات مستقل به پیشنهاد صدراعظم بعد از کسب رای اعتماد حکومت از ولسی جرگه.
- ۱۳- منظوری عزل و استعفای معاون صدراعظم و سایر اعضای حکومت به پیشنهاد صدراعظم.
- ۱۴- انحلال ولسی جرگه به لزومدید خود یا به پیشنهاد صدراعظم و حکم به برگزاری انتخابات مجدد ولسی جرگه به اسرع وقت ممکن که از چهار ماه تجاوز نه نماید.
- ۱۵- تعیین رئیس و اعضای محکمه عالی (ستره محکمه) مطابق به احکام قانون.
- ۱۶- تعیین، تقاعد، قبول استعفا و عزل قضات و دادستان کُل (لوی خارنوال) مطابق به احکام قانون.
- ۱۷- تعیین، تقاعد، قبول استعفا و عزل صاحب منصبان عالی رتبه ارتش ملی، پولیس و امنیت ملی و مامورین عالی‌رتبه ملکی به پیشنهاد صدراعظم و مطابق به احکام قانون.
- ۱۸- تعیین سران نمایندگی های سیاسی افغانستان نزد دول خارجی و مؤسسات بین المللی، به پیشنهاد صدراعظم.
- ۱۹- قبول اعتماد نامه های نماینده گان سیاسی خارجی در افغانستان.
- ۲۰- اعطای اعتبار نامه به غرض عقد معاهدات بین الدول مطابق به احکام قانون.
- ۲۱- تخفیف و عفو مجازات مطابق به احکام قانون.
- ۲۲- توشیح قوانین و فرامین تقنینی.
- ۲۳- اعطای مدالها، نشانها و القاب افتخاری مطابق به احکام قانون.
- ۲۴- سایر صلاحیت ها و وظایف مندرج این قانون اساسی.

ماده شصت و نهم:

رئیس جمهور می تواند در موضوعات مهم ملی، سیاسی، اجتماعی و یا اقتصادی به آرای عمومی مردم افغانستان (همه پرسی) مراجعه نماید.

نتیجه مراجعه به آرای عمومی (همه پرسی) بعد از تصویب لویه جرگه، مرعی الاجرا می گردد.

ماده هفتادم:

رئیس جمهور در اعمال صلاحیت های مندرج این قانون اساسی، مصالح علیای مردم افغانستان را رعایت می کند.

رئیس جمهور نمی تواند بدون حکم قانون ملکیت های دولتی را بفروشد یا اهدا کند.

رئیس جمهور نمی تواند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی، مذهبی و حزبی استفاده نماید.

ماده هفتاد و یکم:

در حالت استعفا، وفات یا عزل رئیس جمهور، یا معلولیت و معیوبیت و یا ابتلای وی به مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه گردد، معاون رئیس جمهور وظایف ریاست جمهوری را به عهده گرفته و در خلال یک ماه لویه جرگه را برای انتخاب رئیس جمهور جدید دعوت می نماید.

هرگاه رئیس جمهور و معاون رئیس جمهور همزمان به یکی از حالات مذکور مواجه گردند، رئیس ولسی جرگه الی تدویر لویه جرگه در خلال یک ماه علاوه از ریاست ولسی جرگه، سرپرستی ریاست جمهوری را نیز به عهده می گیرد. در صورتیکه رئیس جمهور استعفا دهد، استعفای خود را شخصاً به لویه جرگه یا به جلسه مشترک مجلسین شورای ملی اعلام می نماید.

تثبیت معلولیت، معیوبیت و یا مریضی صعب العلاج رئیس جمهور و یا معاون وی به اساس مطالبه اکثریت کُل اعضای ولسی جرگه توسط هیئت طبی باصلاحیت که از طرف محکمه عالی تعیین می گردد، صورت می گیرد.

ماده هفتادم و دوم:

رئیس جمهور و معاون وی در برابر لویه جرگه مطابق به احکام این قانون اساسی مسئول می باشند.

به پیشنهاد یک بر چهارم و تصمیم سه بر پنجم کل اعضای لویه جرگه، رئیس جمهور و به پیشنهاد یک بر چهارم و تصمیم اکثریت کل آرای لویه جرگه، معاون رئیس جمهور، از وظیفه عزل می گردند.

ماده هفتاد و سوم:

اتهام علیه رئیس جمهور به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی یا جنایت، از طرف یک ثلث کل اعضای ولسی جرگه وارد شده می‌تواند. در صورتی که این اتهام از طرف دو ثلث کل اعضای ولسی جرگه تائید گردد، معاون وی سرپرستی ریاست جمهوری را به عهده گرفته و در خلال مدت یک ماه لویه جرگه را دعوت می‌نماید.

هرگاه لویه جرگه اتهام منسوب را به اکثریت کل اعضاء تائید نماید، رئیس جمهور از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول می‌گردد.

محکمه خاص متشکل است از رئیس مشرانو جرگه، سه نفر از اعضای محکمه عالی به تعیین لویه جرگه. رئیس محکمه خاص توسط اعضای آن انتخاب می‌گردد.

اقامه دعوا توسط شخصی که از طرف لویه جرگه تعیین می‌گردد صورت می‌گیرد.

اتهام علیه معاون رئیس جمهور از طرف یک ثلث اعضای ولسی جرگه وارد شده می‌تواند، در صورتیکه این اتهام از طرف دو ثلث کل اعضای جلسه مشترک ولسی جرگه و مشرانو جرگه تائید گردد، وظیفه معاون به حالت تعلیق در می‌آید و موضوع به محکمه خاص متشکل از رئیس مشرانو جرگه و سه نفر از اعضای محکمه عالی به انتخاب اعضای محکمه عالی، محول می‌گردد. رئیس محکمه توسط اعضای آن انتخاب می‌گردد.

اقامه دعوا توسط شخصی که از طرف ولسی جرگه تعیین می‌گردد، صورت می‌گیرد.

ماده هفتاد و چهارم:

در صورت استعفاء، وفات یا عزل معاون رئیس جمهور یا معلولیت، معیوبیت و یا ابتلای وی به مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه گردد، رئیس جمهور شخص دیگری را به تائید اکثریت آرای کل اعضای جلسه مشترک مجلسین شورای ملی، به حیث معاون تعیین می‌نماید.

ماده هفتاد و پنجم:

در صورت غیابت مؤقتی رئیس جمهور، معاون وی به حیث سرپرست ریاست جمهوری ایفای وظیفه می‌نماید.

در مدت غیابت رئیس جمهور، صلاحیت‌های معاون توسط رئیس جمهور معین می‌گردد.

ماده هفتاد و ششم:

معاش و مصارف رئیس جمهور توسط قانون تنظیم می‌گردد.

رئیس جمهور بعد از ختم دوره خدمت، به استثنای حالات مندرج ماده‌های هفتاد و دوم و هفتاد و سوم این قانون اساسی، برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره ریاست جمهوری مطابق به احکام قانون مستفید می شود.

فصل پنجم

شورای ملی

ماده هفتاد و هفتم:

شورای ملی دولت جمهوری اسلامی افغانستان به حیث عالی ترین ارگان تقنینی مظهر اراده مردم آن است و از قاطبه ملت نمایندگی می کند.

هر عضو شورای ملی در موقع اظهار رای، مصالح عمومی و منافع علیای مردم افغانستان را مدار قضاوت قرار می دهد.

ماده هفتاد و هشتم:

شورای ملی متشکل از دو مجلس: ولسی جرگه و مشرانو جرگه می باشد.

هیچ شخص نمی تواند در یک وقت عضو هر دو مجلس باشد.

ماده هفتاد و نهم:

اعضای ولسی جرگه توسط مردم از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم برای مدت چهار سال انتخاب می شوند.

دوره کار ولسی جرگه به تاریخ اول ماه میزان آغاز میابد و به تاریخ سی و یکم ماه سنبله سال چهارم به پایان می رسد.

انتخابات برای دوره بعدی ولسی جرگه طی سی الی شصت روز قبل از پایان دوره کار ولسی جرگه برگزار می گردد.

در صورت تعویق یا التوای انتخابات یا انحلال ولسی جرگه، انتخابات بعدی برای یک دوره تقنینی دایر می گردد،

ولی تاریخ ختم آن طوری تنظیم می شود که ولسی جرگه جدید به تاریخ اول میزان به کار آغاز نماید.

در دوره انحلال ولسی جرگه، عضویت اعضای آن در لویه جرگه حفظ می باشد.

دوره تقنینی به اساس انتخابات ولسی جرگه معین می گردد.

ماده هشتماد:

تعداد کرسی‌های ولسی جرگه به تناسب نفوس هر حوزه انتخاباتی، سه صد کرسی می‌باشد و با گذشت هر ده سال ده کرسی به آن علاوه می‌شود.

حوزه‌های انتخاباتی و سایر موضوعات مربوط به آن توسط قانون انتخابات تنظیم می‌شود.

در قانون انتخابات تدابیری پیشبینی می‌گردد که نظام انتخاباتی، نمایندگی عمومی و عادلانه را برای تمام مردم کشور تأمین نماید و به تناسب نفوس حد اقل سی فیصد کرسی‌های ولسی جرگه به زنان اختصاص یابد.

ماده هشتماد و یکم:

برای عضویت در مشرانو جرگه، اعضای شوراهای ولسوالی‌ها و شورای شهری مرکز هر ولایت در اجلاسیه مشترک خود، سه نفر از اعضای خود را با اکثریت آرای کل اعضاء برای مدت چهار سال انتخاب می‌نمایند.

شخصی که به عضویت مشرانو جرگه انتخاب می‌شود، عضویت خود را در شورای ولسوالی و شورای شهری مرکز ولایت از دست داده و به عوض او شخص دیگری مطابق به احکام قانون عضویت کسب می‌نماید.

جلسه مشترک شوراهای ولسوالی‌ها و شورای شهری مرکز ولایت مربوطه، میتواند به تصمیم اکثریت آرای کل اعضای خویش، هر یک از نمایندگان ولایت مربوطه در مشرانو جرگه را فراخوانده و به عوض وی شخص دیگری از اعضای خود را برای مدت باقیمانده دوره کار مشرانو جرگه، انتخاب و اعزام نماید.

مشرانو جرگه غیر قابل انحلال بوده، دوره کاری آن مطابق دوره تقنینی ولسی جرگه تنظیم می‌گردد.

ماده هشتماد و دوم:

شخصی که به عضویت شورای ملی کاندید می‌شود واجد شرایط ذیل می‌باشد:

- ۱- تبعه افغانستان بوده یا حد اقل ده سال قبل از تاریخ کاندید شدن تابعیت دولت افغانستان را کسب کرده باشد.
- ۲- به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت از طرف محکمه باصلاحیت محکوم به مجازات و محروم از حقوق مدنی نه شده باشد.
- ۳- عضو ولسی جرگه سن کمتر از ۲۵ سال و بیشتر از ۷۵ سال و عضو مشرانو جرگه سن کمتر از ۳۰ سال و بیشتر از ۸۰ سال نداشته باشد.
- ۴- قبل از تاریخ برگزاری انتخابات در حوزه انتخابیه مربوطه ثبت نام شده باشد.

ماده هشتاد و سوم:

تصدیق نامه انتخاباتی اعضای شورای ملی توسط کمیسیون مستقل انتخابات مطابق به احکام قانون به برنده انتخابات اعطاء می گردد.

ماده هشتاد و چهارم:

هر یک از دو مجلس شورای ملی، در آغاز دوره تقنینی، تحت ریاست مؤقت مسن ترین عضو و جوانترین عضو بحیث منشی از میان اعضای خود یک نفر را به حیث رئیس برای مدت دو سال و دو نفر را بحیث نایت اول و نایب دوم و دو نفر را به حیث منشی و نایب منشی برای مدت یکسال انتخاب می کند.

این اشخاص هیئت اداری مجلس مربوطه را تشکیل می دهند.

وظایف هیئت اداری در اصول و وظایف داخلی هر مجلس تعیین می شود.

وضع و تعدیل اصول و وظایف داخلی هر مجلس در صلاحیت همان مجلس می باشد.

ماده هشتاد و پنجم:

هر یک از دو مجلس شورای ملی برای مطالعه موضوعات مورد بحث، بر طبق اصول و وظایف داخلی، کمیسیونها تشکیل می دهد.

ماده هشتاد و ششم:

ولسی جرگه صلاحیت دارد به پیشنهاد یک ثلث اعضاء، جهت بررسی و مطالعه اعمال حکومت، کمیسیون خاص تعیین نماید.

ترکیب و طرز العمل این کمیسیون در اصول و وظایف داخلی ولسی جرگه تنظیم می گردد.

ماده هشتاد و هفتم:

شورای ملی دارای صلاحیت های ذیل میباشد:

۱- تصویب، تعدیل و تفسیر یا لغو قوانین و یا فرامین تفنینی.

۲- تصویب پروگرام های انکشافی اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی.

۳- تصویب بودجه دولتی و اجازه اخذ یا اعطای قرضه.

۴- ایجاد واحدهای اداری، تعدیل و یا الغای آن.

۵- تصدیق معاهدات و میثاق‌های بین‌المللی یا فسخ الحاق افغانستان به آن.

۶- سایر صلاحیت‌های مندرج این قانون اساسی.

ماده هشتاد و هشتم:

ولسی جرگه دارای صلاحیت‌های اختصاصی ذیل می‌باشد:

۱- اعطای رای اعتماد به حکومت .

۲- تصویب خطوط اساسی سیاست حکومت.

۳- اتخاذ تصمیم در مورد استیضاح صدراعظم و کابینه حکومت.

۴- اتخاذ تصمیم نهائی راجع به پروگرام‌های انکشافی و بودجه دولتی.

۵- تعمیل سایر صلاحیت‌های که درین قانون اساسی به ولسی جرگه اختصاص داده شده است.

ماده هشتاد و نهم:

ولسی جرگه به پیشنهاد بیست فیصد کل اعضاء می‌تواند از حکومت استیضاح به عمل آورد.

هرگاه توضیح ارائه شده قناعت بخش نباشد، ولسی جرگه موضوع سلب اعتماد را بررسی می‌کند.

رای سلب اعتماد از حکومت باید صریح، مستقیم و بر اساس دلایل مؤجه باشد، در صورتیکه تصمیم سلب اعتماد به اکثریت آرای کل اعضاء ولسی جرگه اتخاذ گردد، حکومت ساقط می‌گردد و رئیس جمهور الی معرفی صدراعظم جدید به ولسی جرگه، حکومت سرپرست را برای مدت حد اکثر تا دو ماه تعیین می‌نماید.

ماده نودم:

هر یک از کمیسیون‌های هر دو مجلس شورای ملی می‌تواند از هر یک از وزراء و رؤسای ادارات مستقل در موضوعات معین سوال نماید.

شخصی که از او سوال به عمل آمده، می‌تواند جواب شفاهی یا تحریری بدهد.

ماده نود و یکم:

قانون عبارت است از مصوبه هر دو مجلس شورای ملی که به توشیح رئیس جمهور رسیده باشد، مگر اینکه در این قانون اساسی طور دیگری تصریح گردیده باشد.

در صورتیکه رئیس جمهور با مصوبه شورای ملی موافقه نداشته باشد می تواند آنرا در ظرف پانزده روز از تاریخ تقدیم با ذکر دلایل به ولسی جرگه مسترد نماید.

با سپری شدن این مدت و یا در صورتیکه ولسی جرگه آنرا مجدداً با دو ثلث آرای کل اعضاء تصویب نماید، مصوبه توشیح شده محسوب و نافذ میگردد.

ماده نود و دوم:

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت یا اعضای شورای ملی و در ساحه تنظیم امور قضایی از طرف محکمه عالی توسط حکومت صورت گرفته می تواند.

پیشنهاد طرح قانون در مورد بودجه و امور مالی صرف از طرف حکومت صورت می گیرد.

ماده نود و سوم:

هرگاه پیشنهاد طرح قانون حاوی تکلیف جدید یا تنقیص در عایدات دولت باشد، به شرطی در فهرست کار شورای ملی داخل شده می تواند که در متن پیشنهاد، مدرک جبران نیز پیشینی شده باشد.

ماده نود و چهارم:

پیشنهاد طرح قانون از طرف حکومت نخست به ولسی جرگه تقدیم می گردد.

ولسی جرگه پیشنهاد طرح قانون به شمول بودجه و امور مالی را بعد از بحث بدون تغییر و یا با وارد آوردن تغییر به صورت یک کل رد و یا تصویب می کند.

ولسی جرگه طرح قانون پیشنهاد شده را در صورت تصویب به مشرانو جرگه می سپارد.

شورای ملی به اتخاذ تصمیم در مورد طرح قوانین، معاهدات و پروگرام های انکشافی دولت که به اساس پیشنهاد حکومت ایجاب رسیدگی عاجل را نماید اولویت می دهد.

هرگاه پیشنهاد طرح قانون از طرف ده نفر از اعضای یکی از دو مجلس صورت گیرد، بعد از تأیید یک پنجم اعضای مجلسی که پیشنهاد به آن ارائه شده است، در فهرست کار آن مجلس داخل میگردد.

ماده نود و پنجم:

بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت حد اقل یکماه قبل از ختم سال مالی، از طریق مشرانو جرگه توام با نظریه مشورتی آن به ولسی جرگه تقدیم می شود.

تصمیم ولسی جرگه در مورد بودجه دولت و پروگرام انکشافی حکومت بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

هر گاه نظر به عواملی، تصویب بودجه، قبل از آغاز سال مالی صورت نگیرد، تا تصویب بودجه جدید، بودجه سال گذشته تطبیق میگردد.

حکومت در خلال ربع چهارم سال مالی، بودجه سال آینده را با حساب اجمالی بودجه سال جاری، به شورای ملی تقدیم می نماید. حساب قطعی بودجه سال مالی قبل، در خلال مدت شش ماه سال آینده، مطابق به احکام قانون، به شورای ملی تقدیم میگردد.

ولسی جرگه نمی تواند تصویب بودجه را بیش از یکماه و اجازه اخذ و یا اعطای قرضه را که شامل بودجه نباشد، بیش از پانزده روز به تأخیر اندازد.

هر گاه ولسی جرگه در این مدت راجع به پیشنهاد اخذ و یا اعطای قرضه تصمیم اتخاذ نکند، پیشنهاد، تصویب شده محسوب میگردد.

ماده نود و ششم:

در صورتیکه در اجلاس شورای ملی، بودجه سالانه یا پروگرام انکشافی یا موضوع مربوط به امنیت عامه، تمامیت ارضی و استقلال کشور مطرح باشد مدت اجلاس شورای ملی قبل از تصویب آن خاتمه یافته نمی تواند.

ماده نود و هفتم:

هر گاه مصوبه یک مجلس از طرف مجلس دیگر رد شود، برای حل اختلاف، هیئت مختلط به تعداد مساوی از اعضای هر دو مجلس تشکیل می گردد.

فیصله هیئت بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده میشود. در صورتیکه هیئت مختلط نتواند اختلاف نظر را رفع کند، ولسی جرگه میتواند مجدداً آنرا با دو ثلث آرای کل اعضاء تصویب کند. این تصویب بدون ارائه به مشرانو جرگه بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ شمرده می شود.

در صورتیکه طرح قانون پیشنهادی حکومت را ولسی جرگه در خلال مدت یک ماه، منهای ایام دوره تعطیل عمومی شورای ملی، شامل اجندای خود نسازد، تصویب شده به حساب می رود.

ماده نود و هشتم:

هیچ عضو شورای ملی به علت رأی یا نظریه ای که در دوره تصدی وظیفه در داخل یا خارج از شورای ملی ابراز می‌دارد، مورد تعقیب عدلی قرار نمی‌گیرد.

ماده نود و نهم:

هرگاه عضو شورای ملی به جرمی متهم شود، مامور مسئول از موضوع به مجلسی که متهم عضو آن است اطلاع داده و با کسب اجازه از مجلس، متهم تحت تعقیب عدلی قرار می‌گیرد.

در مورد جرم مشهود، مامور مسئول می‌تواند متهم را بدون اجازه مجلسی که او عضو آن می‌باشد تحت تعقیب عدلی قرار دهد و گرفتار نماید.

در هر دو حالت، هرگاه تعقیب عدلی قانوناً توقیف را ایجاب کند، مامور مسئول مکلف است موضوع را بلافاصله به اطلاع مجلس مربوط برساند و تصویب آنرا حاصل نماید.

اگر اتهام در هنگام تعطیل شورای ملی صورت بگیرد، اجازه گرفتاری یا توقیف از هیئت اداری مجلس مربوط حاصل می‌گردد و موضوع به نخستین جلسه مجلس مذکور جهت اخذ تصمیم ارائه می‌شود.

هرگاه عضو شورای ملی متهم به ارتکاب جرم خیانت ملی و جنایت علیه بشریت و جرم مشهود در قبال منافع عامه گردد، درین حالت، مجلس مربوطه نمی‌تواند مانع تعقیب عدلی و قضائی متهم گردد.

ماده صد:

اعضای حکومت می‌توانند در جلسات هر یک از دو مجلس شورای ملی اشتراک ورزند. هر مجلس شورای ملی می‌تواند حضور اعضای حکومت را در جلسه خود مطالبه کند.

ماده صد و یکم:

هر دو مجلس شورای ملی به صورت جداگانه جلسه می‌کنند.

جلسات هر دو مجلس در موارد ذیل می‌تواند به طور مشترک دایر شود:

۱- در موقع تدویر اولین اجلاس دوره تقنینیه که از طرف رئیس جمهور افتتاح می‌گردد.

۲- در صورتیکه رئیس جمهور ضروری تشخیص دهد.

۳- در سایر مواردیکه درین قانون اساسی تصریح گردیده است.

رئیس ولسی جرگه، از جلسات مشترک شورای ملی ریاست می‌نماید.

ماده یکصد و دوم:

جلسات مجالس شورای ملی علنی می‌باشد مگر اینکه رئیس مجلس مربوطه یا حد اقل ده نفر از اعضای مجلس، سری بودن آنرا درخواست نمایند و مجلس این درخواست را بپذیرد.

ماده یکصد و سوم:

نصاب هر یک از دو مجلس شورای ملی، هنگام رأی گیری با حضور دو ثلث اعضاء تکمیل می‌گردد و تصامیم آن به اکثریت آرای اعضای حاضر اتخاذ می‌شود، مگر در مواردی که در این قانون اساسی طور دیگری تصریح شده باشد.

ماده یکصد و چهارم:

شورای ملی در هر سال دو اجلاس عادی دایر می‌کند. مدت کار هر دو اجلاس شورای ملی، در هر سال نه ماه می‌باشد. در صورت ایجاب، شورای ملی می‌تواند این مدت را تمدید کند.

جلسات فوق العاده شورای ملی در ایام تعطیل به پیشنهاد صدراعظم با فرمان رئیس جمهور دایر شده می‌تواند. در صورت منحل شدن ولسی جرگه، مشرانو جرگه، به جز از ایام معینه تعطیل شورای ملی، به جلسات خود ادامه می‌دهد.

ماده یکصد و پنجم:

در حالات وفات، استعفاء و عزل عضو شورای ملی و یا معلولیت، معیوبیت و یا مرضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه گردد، تعیین نماینده جدید برای مدت باقیمانده دوره تقنینیه، مطابق به احکام قانون صورت می‌گیرد.

عضو شورای ملی بنابر غیابت مسلسل اضافه از ۲۰ روز که بدون دلایل قانونی بعمل آمده و یا به اثر ارتکاب جرایم مندرج ماده نود و نهم این قانون اساسی، عزل می‌گردد.

سایر موارد عزل و امور مربوط به حضور و غیابت اعضای شورای ملی در اصول ووظایف داخلی هر یک از دو مجلس، تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و ششم:

قانون انتخابات، در یک سال اخیر دوره تقنینیه تعدیل نمی‌شود.

فصل ششم

حکومت

ماده یکصد و هفتم:

حکومت متشکل است از صدراعظم، معاون صدراعظم، وزراء و رؤسای ادارات مستقل که تحت ریاست صدراعظم اجرای وظیفه می نمایند.

در غیاب صدراعظم، معاون وی ریاست حکومت را به عهده دارد.

تعداد وزارت‌ها و ادارات مستقل و وظایف آنها توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و هشتم:

شخصی که به حیث صدراعظم، معاون صدراعظم، وزیر و یا رئیس اداره مستقل تعیین می گردد واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- تبعه افغانستان بوده و تابعیت دولت دیگر را نداشته باشد.

۲- دارای تعلیمات عالی حد اقل لیسانس و تجربه کافی در اداره و مدیریت بوده و تخصص لازم در وظیفه مربوطه داشته باشد.

۳- سن آن از سی سال کمتر و از هفتاد سال بیشتر نباشد.

۴- به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت از طرف محکمه باصلاحیت محکوم به مجازات و محروم از حقوق مدنی نه شده باشد.

۵- معلول، معیوب و یا مبتلا به مریضی صعب‌العلاج که مانع اجرای وظیفه گردد، نباشد.

ماده یکصد و نهم:

صدراعظم و سایر اعضای حکومت از میان اعضای شورای ملی و یا خارج از آن تعیین شده می‌توانند.

هرگاه عضو شورای ملی به حیث صدراعظم و یا عضو حکومت تعیین شود، عضویت خود را در شورای ملی از دست می‌دهد و در عوض وی شخصی دیگری مطابق به احکام قانون انتخاب می‌گردد.

ماده یکصد و دهم:

شخصی که از طرف رئیس جمهور به حیث صدراعظم معرفی می شود، اعضای حکومت (کابینه) خود را در خلال حد اکثر یک ماه با خطوط اساسی سیاست حکومت به ولسی جرگه معرفی و ارائه می نماید.

صدراعظم و اعضای حکومت (کابینه) در صورت کسب رای اعتماد اکثریت کل اعضای ولسی جرگه، قبل از تصدی وظیفه، حلف آتی را به حضور رئیس جمهور و در جلسه مشترک مجلسین شورای ملی توسط قاضی القضاة انجام می دهند:

"بسم الله الرحمن الرحيم

به نام خداوند بزرگ (جل جلاله) سوگند یاد می کنم که دین مقدس اسلام را حمایت، قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان را رعایت، حقوق اتباع را حفاظت و از استقلال، تمامیت ارضی و وحدت ملی مردم افغانستان حراست نموده و همه وظایف محوله را صادقانه انجام دهم."

ماده یکصد و یازدهم:

حکومت دارای وظایف و صلاحیت‌های ذیل می‌باشد:

- ۱- تعمیم احکام این قانون اساسی و سایر قوانین و فیصله‌های قطعی محاکم.
- ۲- حفظ استقلال، دفاع از تمامیت ارضی و صیانت منافع و حیثیت افغانستان در جامعه بین‌المللی.
- ۳- تعیین خطوط اساسی سیاست حکومت.
- ۴- تأمین نظم و امن عامه و از بین بردن هر نوع فساد.
- ۵- ترتیب بودجه، تنظیم وضع مالی دولت و حفاظت دارائی عامه.
- ۶- طرح و تطبیق پروگرام‌های انکشافی، اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و تکنالوژیکی.
- ۷- اعلان حالت فوق‌العاده در یک یا چند ولایت کشور به علل حوادث طبیعی.
- ۸- ارائه گزارش به شورای ملی در ختم سال مالی در باره امور انجام شده و پروگرام‌های عمده سال مالی جدید.
- ۹- تأسیس کمیسیون‌ها طبق ضرورت اداره کشور مطابق به احکام قانون.
- ۱۰- انجام سایر وظایفی که به موجب این قانون اساسی و قوانین دیگر از وظایف حکومت دانسته شده باشد.

ماده یکصد و دوازدهم:

حکومت برای تطبیق خطوط اساسی سیاست خود و تنظیم امور ادارات حکومتی، مقررات وضع و تصویب می کند که بعد از توشیح رئیس جمهور نافذ و در جریده رسمی به نشر می رسد. این مقررات باید مناقض نص یا روح هیچ قانون نباشد.

ماده یکصد و سیزدهم:

حکومت می تواند در حالت تعطیل شورای ملی یا انحلال ولسی جرگه در صورت ضرورت عاجل، به استثنای امور مربوط به بودجه و امور مالی، فرامین تقنینی را تصویب کند.

فرامین تقنینی بعد از توشیح رئیس جمهور حکم قانون را حایز می شود. فرامین تقنینی باید در خلال سی روز از تاریخ انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن تقدیم شود و در صورتیکه از طرف شورای ملی رد شود و یا در خلال سی روز بعد از انعقاد نخستین جلسه شورای ملی به آن شورا تقدیم نشود، از اعتبار ساقط می گردد.

ماده یکصد و چهاردهم:

صدر اعظم و سایر اعضای حکومت از اجرای وظایف خود نزد ولسی جرگه بصورت جمعی و فردی مسئولیت دارند. وزراء و رؤسای ادارات مستقل وظایف خود را به حیث آمرین واحدهای اداری در داخل حدودیکه این قانون اساسی و سایر قوانین تعیین می کند اجراء نموده و به صدراعظم گزارش می دهند.

حکومت تا زمانیکه مورد اعتماد ولسی جرگه قرار دارد، ساقط شده نمی تواند. مگر در حالتی که صدر اعظم و یا اکثریت اعضای حکومت به جرایم مندرج ماده یکصد و پانزدهم این قانون اساسی متهم گردند.

ماده یکصد و پانزدهم:

هرگاه صدراعظم و یا سایر اعضای حکومت به ارتکاب جرایم ضد بشری، خیانت ملی و یا سایر جرایم متهم گردد، قضیه با رعایت احکام ماده یکصد و سی و نهم این قانون اساسی به محکمه خاص محول می گردد.

تشکیل محکمه خاص و طرز محاکمه توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و شانزدهم:

صدراعظم و سایر اعضای حکومت نمی توانند در زمان تصدی وظیفه از مقام خود به ملحوظات لسانی، سمتی، قومی و مذهبی استفاده نمایند.

فصل هفتم

محکمه قانون اساسی

ماده یکصد و هفدهم:

محکمه قانون اساسی، به منظور مراقبت و حراست از قانون اساسی و اساسات اسلام و نظارت بر تطبیق آن تشکیل می‌گردد.

ماده یکصد و هجدهم:

کاندیدان عضویت محکمه قانون اساسی به تعداد ۱۵ الی ۲۰ تن واجد شرایط، از طرف کمیته مؤظف لویه جرگه مندرج ماده شصت و ششم این قانون اساسی، از میان اعضای لویه جرگه یا خارج از آن، معین شده و به لویه جرگه جهت اخذ رای معرفی می‌گردند.

از جمله کاندیدان به تعداد ۵ تن فقهای مذاهب تسنن و تشیع و ۶ تن حقوق‌دان که آرای اضافه از پنجاه درصد اعضای حاضر لویه جرگه را کسب نمایند، بالترتیب به حیث اعضای محکمه قانون اساسی شناخته می‌شوند. محکمه قانون اساسی یکی از اعضای خود را به آرای دو ثلث اعضاء به حیث رئیس انتخاب می‌نماید. محکمه قانون اساسی می‌تواند هر دو سال بر کرسی ریاست تجدید نظر نموده و عضو دیگر خود را به حیث رئیس انتخاب نماید.

لویه جرگه می‌تواند هر یک از اعضای محکمه قانون اساسی را در خلال تصدی وظیفه آنها، به آرای دو ثلث اعضای حاضر خویش، معزول و به عوض آن شخص واجد شرایط را انتخاب نماید. عضو محکمه قانون اساسی تا زمانی که به اثر ارتکاب جرایم محکوم نگردیده و یا از طرف لویه جرگه عزل نه‌شده باشد در صورت داشتن توانائی جسمی و ذهنی، می‌تواند تا تکمیل سن ۷۵ سالگی به وظیفه خود ادامه دهد.

ماده یکصد و نوزدهم:

کاندید شده‌گان به عضویت محکمه قانون اساسی واجد شرایط ذیل می‌باشند:

- ۱- تبعه افغانستان بوده و تابعیت دولت دیگر را نداشته باشند.
- ۲- سن آنها از چهل سال کمتر و از هفتاد و پنج سال بیشتر نباشد.
- ۳- در علوم سیاسی، حقوقی و یا فقهی دارای تعلیمات عالی حد اقل ماستری یا معادل آن باشند.

۴- دارای تألیفات علمی معتبر و سابقه کار حد اقل پنج سال تدریس، تحقیق علمی یا عملی در امور سیاسی، حقوقی یا قضائی باشند.

۵- از حسن سیرت و شهرت نیک برخوردار باشند.

۶- به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت از طرف محکمه باصلاحیت محکوم به جزا و محروم از حقوق مدنی نه شده باشند.

۷- در حال تصدی وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشند.

ماده یکصد و بیستم:

اعضای محکمه قانون اساسی بعد از انتخاب، حلف آتی را در حضور اعضای لویه جرگه توسط رئیس لویه جرگه انجام می‌دهند:

"بسم الله الرحمن الرحمن"

به نام خدادوند بزرگ (جل جلاله) سوگند یاد می‌کنم که منافع علیای ملی را ملاک عمل خویش قرار داده به‌طور پایدار و بدون انحراف از قانون اساسی جمهوری اسلامی افغانستان و اساسات اسلام حراست و با صداقت و بی‌طرفی کامل بر رعایت احکام آن نظارت می‌نمایم."

ماده یکصد و بیست و یکم:

محکمه قانون اساسی دارای صلاحیت‌ها و وظایف ذیل می‌باشد:

۱- بررسی مطابقت قوانین، فرامین تقنینی، معاهدات بین الدول و میثاق‌های بین المللی با قانون اساسی و با اساسات اسلام.

۲- در صورت تشخیص عدم مطابقت حکمی از احکام اسناد حقوقی مذکور با قانون اساسی یا اساسات اسلام، اجرای آن حکم متوقف می‌گردد.

۳- نظارت بر رعایت و تطبیق احکام قانون اساسی و اساسات اسلام، توسط رئیس جمهور، شورای ملی، حکومت، محکمه عالی، دادستانی کل و کمیسیون‌های مستقل و صدور فیصله در مواردی که مخالف احکام این قانون اساسی و اساسات اسلام انجام یافته باشد.

۴- تفسیر قانون اساسی.

۵- تصدیق نتایج نهائی انتخابات ولسی جرگه و فیصله نهائی درباره حل اختلافات ناشی از آن.

۶- تصویب اصول و وظایف داخلی محکمه قانون اساسی.

فیصله‌های محکمه قانون اساسی نهائی و مرعی الاجرا می‌باشد.

سایر امور مربوط به تشکیل، وظایف و صلاحیت‌های محکمه قانون اساسی، توسط قانون تنظیم می‌گردد.

فصل هشتم

قضاء

ماده یکصد و بیست و دوم:

قوة قضائیه رکن مستقل دولت جمهوری اسلامی افغانستان می باشد.

قوة قضائیه مرکب است از یک محکمه عالی، محاکم استیناف و محاکم ابتدائیه که تشکیلات و صلاحیت آنها توسط قانون تنظیم میگردد.

محکمه عالی به حیث عالیترین ارگان قضایی در راس قوة قضائیه جمهوری اسلامی افغانستان قرار دارد.

محکمه قانون اساسی مندرج فصل هفتم این قانون اساسی و محاکم خاص مندرج ماده‌های هفتاد و سوم، یکصد و پانزدهم و یکصد و سی و دوم این قانون اساسی تابع احکام این ماده نمی‌گردد.

ماده یکصد و بیست و سوم:

محکمه عالی مرکب از نه عضو میباشد که از طرف رئیس جمهور با رعایت احکام مندرج فقره سوم ماده چهل و هشتم و ماده یکصد و بیست و چهارم این قانون اساسی در آغاز به ترتیب ذیل تعیین می‌گردند:

سه تن برای مدت پنج سال، سه تن برای مدت ده سال و سه تن برای مدت پانزده سال. تعیینات بعدی برای مدت پانزده سال می باشد، مشروط بر اینکه سن عضو محکمه عالی از هفتاد و پنج سال تجاوز نکند.

تعیین اعضای که برای پانزده سال تعیین می‌شوند بار دوم جواز ندارد.

رئیس جمهور یکی از اعضاء را به حیث رئیس محکمه عالی (قاضی القضاة) برای پانزده سال تعیین می‌کند.

اعضای محکمه عالی به استثنای حالت مندرج ماده یکصد و سی و دوم این قانون اساسی، تا ختم دوره خدمت از وظیفه عزل نمی‌شوند.

ماده یکصد و بیست و چهارم:

عضو محکمه عالی واجد شرایط ذیل می باشد:

۱- سن آن در حین تعیین از چهل سال کمتر و از هفتاد سال بیشتر نباشد.

۲- تبعه افغانستان بوده و تابعیت دولت دیگر را نداشته باشد.

۳- در علوم حقوقی و یا فقهی تعلیمات عالی حد اقل لیسانس و در نظام قضایی افغانستان تخصص و تجربه کافی داشته باشد.

۴- دارای حسن سیرت و شهرت نیک باشد.

۵- به ارتکاب جرایم ضد بشری و جنایت از طرف محکمه باصلاحیت محکوم به مجازات و محروم از حقوق مدنی نه شده باشد.

۶- در حال تصدی و وظیفه در هیچ حزب سیاسی عضویت نداشته باشد.

ماده یکصد و بیست و پنجم:

اعضای محکمه عالی قبل از اشغال وظیفه، حلف آتی را در حضور رئیس جمهور به جا می آورند:

"بسم الله الرحمن الرحيم"

به نام خداوند بزرگ (جل جلاله) سوگند یاد می کنم که حق و عدالت را بر طبق احکام قانون اساسی و سایر قوانین افغانستان با در نظر داشت نصوص و اساسات دین مقدس اسلام تأمین نموده، وظیفه قضاء را با کمال امانت داری، صداقت و بی طرفی اجرا می نمایم."

ماده یکصد و بیست و ششم:

صلاحیت قوه قضائیه شامل رسیدگی به تمام دعاوی بی است که از طرف اشخاص حقیقی یا حکمی، به شمول دولت، به حیث مدعی یا مدعی علیه در پیشگاه محکمه مطابق به احکام قانون اقامه شود.

محکمه عالی در حین رسیدگی به یک قضیه که به اساس قوانین طی مراحل شده باشد به تفسیر قضائی قوانین در حدود قضیه مذکور می پردازد.

ماده یکصد و بیست و هفتم:

در هیچ قانون افغانستان در هیچ حالت قضیه یا ساحه ای از دایره صلاحیت قوه قضائیه به نحویکه در این قانون اساسی تحدید شده، خارج نشده و به مقام دیگری تفویض نمی گردد.

این حکم مانع تشکیل محاکم خاص مندرج مواد هفتاد و سوم، یکصد و پانزدهم و یکصد و سی و دوم این قانون اساسی در قضایای مربوطه نمی گردد.

ماده یکصد و بیست و هشتم:

با رعایت احکام این قانون اساسی، قواعد مربوط به تشکیل، صلاحیت و اجراءات محاکم و امور مربوط به قضات توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و بیست و نهم:

در مورد مامورین و سایر کارکنان اداری قوه قضائیه، شرایط استخدام مندرج احکام قوانین مربوط به مامورین و سایر کارکنان اداری دولت مرعی الاجرا می باشد ولی تقرر، انفکاک، ترفیع، تقاعد، مجازات و مکافات آنها توسط محکمه عالی مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

ماده یکصد و سی ام:

بودجه قوه قضائیه به مشوره حکومت از طرف محکمه عالی ترتیب گردیده، به حیث جزء بودجه دولت، توسط حکومت به شورای ملی تقدیم می شود.

تطبیق بودجه قوه قضائیه از صلاحیت محکمه عالی می باشد.

ماده یکصد و سی و یکم:

اعضای محکمه عالی به استثنای حالت مندرج ماده یکصد و سی و دوم این قانون اساسی، بعد از ختم دوره خدمت برای بقیه مدت حیات از حقوق مالی دوره خدمت مستفید می شوند مشروط به اینکه به مشاغل دولتی و سیاسی اشتغال نوزند.

ماده یکصد و سی و دوم:

هرگاه بیش از یک ثلث اعضای ولسی جرگه، محاکمه رئیس یا عضو محکمه عالی را بر اساس اتهام به جرم ناشی از اجرای وظیفه یا ارتکاب جنایت تقاضا نمایند و ولسی جرگه این تقاضا را با اکثریت دو ثلث کل اعضا تصویب کند، متهم از وظیفه عزل و موضوع به محکمه خاص محول میگردد.

تشکیل محکمه خاص و طرز محاکمه، توسط قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و سی و سوم:

در محاکم افغانستان، محاکمه به صورت علنی دایر می گردد و هر شخص حق دارد با رعایت احکام قانون در جلسه محاکمه حضور یابد.

محکمه می تواند در حالاتیکه در قانون تصریح گردیده، یا سری بودن محاکمه ضروری تشخیص گردد، جلسات سری دایر کند ولی اعلام حکم باید به هر حال علنی باشد.

ماده یکصد و سی و چهارم:

اگر طرف دعوا زبانی را که محاکمه توسط آن صورت می گیرد، نداند، حق اطلاع از مواد و اسناد قضیه و صحبت در محکمه به زبان مادری، توسط ترجمان برایش تأمین میگردد.

ماده یکصد و سی و پنجم:

محکمه مکلف است اسباب حکمی را که صادر می نماید، در فیصله ذکر کند.

تمام فیصله های قطعی محاکم واجب التعمیل است مگر در حالت حکم به مرگ شخص که مشروط به منظوری رئیس جمهور می باشد.

ماده یکصد و سی و ششم:

محاکم در قضایای مورد رسیدگی، احکام این قانون اساسی و سایر قوانین را تطبیق می کنند.

هرگاه برای قضیه ای از قضایای مدنی که مورد رسیدگی قرار می گیرد، در قانون اساسی و سایر قوانین حکمی موجود نباشد محاکم برای اهل تسنن در روشنائی احکام فقه حنفی و برای اهل تشیع در روشنائی احکام فقه اهل تشیع، قضیه را در داخل حدودی که این قانون اساسی وضع نموده است، به نحوی حل و فصل می نمایند که عدالت را به بهترین وجه تأمین نماید.

ماده یکصد و سی و هفتم:

قضات به پیشنهاد محکمه عالی و منظوری رئیس جمهور تعیین می گردند.

تقرر، تبدل، ترفیع، مؤاخذة و پیشنهاد تقاعد قضات مطابق به احکام قانون از صلاحیت محکمه عالی می باشد. محکمه عالی به منظور تنظیم بهتر امور اجرایی و قضایی و تأمین اصلاحات لازم، آمریت عمومی اداری قوه قضائیه را تأسیس می نماید.

ماده یکصد و سی و هشتم:

هرگاه قاضی به ارتکاب جنایت متهم شود، محکمه عالی مطابق به احکام قانون به حالت قاضی رسیدگی نموده، پس از استماع دفاع او، در صورتیکه محکمه عالی اتهام را وارد بداند پیشنهاد عزلش را به رئیس جمهور تقدیم و با منظوری آن از طرف رئیس جمهور، قاضی متهم از وظیفه معزول و مطابق به احکام قانون محاکمه و مجازات می شود.

ماده یکصد و سی و نهم:

کشف جرایم، توسط پولیس و تحقیق جرایم و اقامه دعوا علیه متهم در محکمه، از طرف دادستانی مطابق به احکام قانون صورت میگیرد.

فصل نهم

دادستانی

ماده یکصد و سی و چهارم:

دادستانی جمهوری اسلامی افغانستان سیستم واحد مبتنی بر اصل مرکزیت بوده متشکل است از دادستانی کل و دادستانی های دیگری که طبق قانون تشکیل می گردند.

ماده یکصد و چهل و یکم:

دادستانی کل رهبری فعالیت ارگانهای دادستانی کشور را به عهده دارد.

ارگانهای دادستانی با رعایت احکام ماده یکصد و سی و نهم این قانون اساسی در اجراات خود مستقل بوده صرف تابع قانون و دادستان کل می باشند.

ماده یکصد و چهل و دوم:

دادستان کل برای مدت پنج سال از طرف رئیس جمهور تعیین می گردد و از اجراات دادستانی نزد رئیس جمهور مسئول و مکلف به ارائه گزارش می باشد.

ماده یکصد و چهل و سوم:

نظارت عالی بر تطبیق و رعایت یکسان قوانین از طرف تمام نهادهای دولتی، مختلط و خصوصی سازمان های اجتماعی و سیاسی و اتباع بر عهده دادستانی بوده، تشکیل، ترکیب، صلاحیت و طرز فعالیت آن توسط قانون تنظیم می گردد.

فصل دهم

ارگان‌های مرکزی و محلی قدرت و اداره

ماده یکصد و چهل و چهارم:

اداره جمهوری اسلامی افغانستان براساس واحدهای اداره مرکزی و ادارات محلی، طبق قانون، تشکیل می‌گردد. اداره مرکزی به یک عده واحدهای اداری منقسم میگردد که در راس هر کدام یک نفر وزیر یا رئیس اداره مستقل قرار دارد.

واحد عالی اداره محلی، ولایت است. تعداد، ساحه، اجزا و تشکیلات ولایات و ادارات مربوط، براساس تعداد نفوس، وضع اجتماعی و اقتصادی و موقعیت جغرافیایی توسط قانون تنظیم میگردد.

ماده یکصد و چهل و پنجم:

به منظور تسریع و بهبود امور اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و سهم گیری هرچه بیشتر مردم در قدرت و اداره دولتی و انکشاف حیات ملی، صلاحیت های لازم مطابق به احکام قانون به اداره محلی تفویض می‌گردد.

ماده یکصد و چهل و ششم:

در رأس اداره ولایت والی قرار دارد که به اکثریت بیشتر از پنجاه درصد آرای کُل اعضای شوراهای ولسوالی‌ها و شورای شهری مرکز ولایت مربوطه برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود. والی از اجراءات خود هم به شورای ولایتی و هم به مقام صدارت گزارش شده می‌باشد.

ماده یکصد و چهل و هفتم:

در هر ولایت یک شورای ولایتی تشکیل می‌گردد که اعضای آن برای مدت چهار سال انتخاب می‌شود. اعضای شورای ولایتی مرکب است از یک یک نماینده منتخب شوراهای ولسوالی‌ها و شورای شهری مرکز هر ولایت.

شورای ولایتی یک نفر از اعضای خود را به اکثریت کل اعضاء برای مدت چهار سال به حیث رئیس انتخاب می‌نماید. شورای ولایتی می‌تواند به اکثریت دو ثلث کُل اعضاء، رئیس خود را عزل و به عوض آن عضو دیگر را برای مدت باقیمانده دوره کار شورای ولایتی انتخاب نماید.

شورای ولایتی ارگان دائماً فعال بوده، در ایام تعطیل سالانه جلسات آن که سه ماه در دو نوبت می باشد، هیئت اداری منتخب شورای ولایتی، امور شورای مربوط را در حدود صلاحیت معینه قانونی، انجام میدهد.

ماده یکصد و چهل و هشتم:

شورای ولایتی در تعمیم حاکمیت و تامین اهداف انکشافی دولت با طرح و تصویب برنامه های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سطح ولایت به نحوی که در قوانین تصریح می گردد سهم گرفته و در مسایل مربوط به ولایت تصامیم اتخاذ و توجه اداره محلی را در اجرای قوانین و بهبود امور مربوط جلب می نماید.

شورای ولایتی در اجراآت اداره محلی نظارت نموده و فعالیت های نهادهای مختلف موجود در ساحة اداره ولایت را با تصامیم سمت دهنده و رهنمودی هماهنگ می نماید.

مسئولین واحدهای دومی وزارت ها و ادارات مستقل در سطح ولایت، از اجراآت خود هم به والی و هم به ادارات فوقانی و مرکزی، مسئول و گزارش شده می باشند.

ماده یکصد و چهل و نهم:

شورای ولایتی میتواند به تصمیم دو ثلث آرای کل اعضای خویش والی را عزل نموده و تدویر جلسه مشترک شوراهای ولسوالی ها و شورای شهری مرکز ولایت را برای انتخاب والی جدید دعوت نماید.

شرایط کاندید برای والی و اعضای شورای ولایتی و صلاحیت های آنها در قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و پنجاهم:

برای تنظیم امور و تامین اشتراک فعال مردم در اداره محلی، در هر ولایت، ولسوالی ها مطابق به احکام قانون تشکیل می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و یکم:

در رأس هر ولسوالی، ولسوال قرار دارد که به اکثریت بیشتر از پنجاه درصد آرای آزاد، عمومی، سری و مستقیم رای دهندگان باشنده ولسوالی برای مدت چهار سال انتخاب می شود.

ولسوال از اجراآت خود هم به شورای ولسوالی و هم به والی گزارش شده می باشد.

ماده یکصد و پنجاه و دوم:

در هر ولسوالی یک شورای ولسوالی تشکیل می گردد.

اعضای شورای هر ولسوالی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم از طرف رای دهندگان ساکن شهر و قراء مربوطه ولسوالی برای مدت چهار سال انتخاب می شوند.

تعداد اعضای شوراهای ولسوالی ها به تناسب نفوس مطابق به احکام قانون تعیین می گردد.

شورای ولسوالی می تواند به اکثریت کل اعضا، رئیس شورای ولسوالی را برای مدت چهار سال انتخاب و به اکثریت دو ثلث کل اعضا، وی را عزل و به عوض آن عضو دیگری را برای مدت باقی مانده دوره خدمت رئیس، انتخاب نماید.

ماده یکصد و پنجاه و سوم:

شورای ولسوالی میتواند نماینده منتخب خود را به اساس فیصله دو ثلث آرای کل اعضای خویش از شورای ولایتی فراخوانده و به عوض وی نماینده دیگری را برای مدت باقی مانده دوره کار شورای ولایتی، انتخاب نماید.

مسئولین ادارات ولسوالی از اجراءات خود هم به ولسوال و هم به ادارات فوقانی مربوطه، مسئول و گزارشده می باشند.

ماده یکصد و پنجاه و چهارم:

شورای ولسوالی میتواند به اکثریت دو ثلث آرای کل اعضای خویش ولسوال مربوطه را عزل نموده و برای انتخاب ولسوال جدید تدویر انتخابات را در سطح ولسوالی مطالبه نماید.

جلسات عادی شورای های ولسوالی ها هر سه ماه یکبار دایر می گردد. در طی دو اجلاس شورای ولسوال، هیئت اداری که توسط شورا انتخاب می شود، امور شورای ولسوالی را به عهده دارد.

شرایط برای کاندید ولسوال و عضویت شورای ولسوالی و صلاحیت های آنها در قانون تنظیم می گردد.

ماده یکصد و پنجاه و پنجم:

برای اداره امور شهری، شهرداری ها در مراکز ولایات و ولسوالی ها تشکیل می گردد.

امور شهری توسط هیئت مدیره که در رأس آن شهردار قرار دارد، اداره می شود.

شهردار به اکثریت بیشتر از پنجاه فیصد آرای اعضای شورای شهری برای مدت چهار سال انتخاب می شود. از جمله کاندیدان اعضای هیئت مدیره، اشخاصیکه بیشترین آرای اعضای شورای شهری را کسب نمایند، برنده شناخته می شوند.

در شهرهای دارای نواحی، شوراهای شهری متشکل است از دو، دو نماینده از شوراهای نواحی مربوط، که برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند. این نمایندگان در صورتی که به‌حیث شهردار و یا عضو هیئت مدیره شهری انتخاب نشده باشند، عضویت خود را در شورای ناحیه مربوطه نیز حفظ می‌کنند.

شهردار مرکز ولایت به والی و شهردار ولسوالی به ولسوال نیز گزارش شده می‌باشد.

شورای شهری مرکز ولایت می‌تواند به اساس فیصله دو ثلث آرای کل اعضاء، نماینده منتخب خویش را از شورای ولایتی فراخوانده و به عوض وی نماینده دیگر را برای مدت باقی‌مانده دوره کار شورای ولایتی انتخاب نماید.

شورای شهری می‌تواند به اساس فیصله دو ثلث اعضای خویش شهردار و به اساس فیصله اکثریت بیش از پنجاه درصد آرای کل اعضای خویش، عضو هیئت مدیره را عزل و به عوض آن شخص دیگری را طبق احکام قانون برای مدت باقی‌مانده دوره خدمت، انتخاب نماید.

در شهرهایی که به نواحی تقسیم نشده اند، اعضای شورای شهری از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم باشندگان آن شهر که واجد شرایط قانونی باشند، انتخاب می‌شوند.

ماده یکصد و پنجاه و ششم:

شهرهای مراکز ولایات به تناسب تعداد نفوس به نواحی شهری تقسیم می‌شوند.

در هر ناحیه شهری یک شورای ناحیوی تشکیل می‌شود. اعضای شورای ناحیوی از طریق انتخابات آزاد، عمومی، سری و مستقیم باشندگان واجد شرایط رای‌دهی انتخاب می‌شوند. رئیس ناحیه و اعضای هیئت مدیره شورای ناحیوی توسط اکثریت اعضای شورای ناحیوی برای مدت چهار سال انتخاب می‌شوند.

تعداد اعضای شوراهای شهرهای بدون نواحی و شوراهای ناحیوی، توسط قانون تعیین می‌گردد.

جلسات عادی شوراهای شهرها و نواحی هر سه ماه یک‌بار دایر می‌گردد.

شرایط برای کاندیدان شهردارها، رؤسای نواحی و اعضای هیئت مدیره و وظایف آنها در قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هفتم:

هر ولسوالی به قریه‌ها تقسیم شده و در هر قریه، شوراهای مردمی که در رأس آن قریه‌دار قرار دارد، مطابق به احکام قانون تشکیل و وظایف آن تعیین می‌گردد.

ماده یکصد و پنجاه و هشتم:

عضویت در شوراهای ولسوالی‌ها، قریه‌ها، شهرها و نواحی شهری، افتخاری می‌باشد.

برای اعضای هیئت اداری شورای ولسوالی و اعضای هیئت مدیره شوراهای شهری و نواحی، مطابق به احکام قانون معاش پرداخته می‌شود.

فصل یازدهم

کمیسیون‌های مستقل

ماده یکصد و پنجاه و نهم:

کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی برای رهبری، اداره، بررسی شکایات مربوطه و نظارت بر انتخابات ولسی جرگه، ولسوال‌ها، شوراهای ولسوالی‌ها، قریه‌ها، شهرهای بدون ناحیه و نواحی شهری و مراجعه به آرای عمومی مردم (همه پرسی) در کشور، تشکیل می‌گردد.

اعضای کمیسیون مستقل انتخابات به ترکیب هفت تن و اعضای کمیسیون شکایات انتخاباتی به ترکیب پنج تن، شامل ذکور و اناث از طرف رئیس جمهور در مشوره با اعضای محکمه عالی و کمیسیون مستقل حقوق بشر برای مدت شش سال تعیین می‌گردند.

رئیس جمهور می‌تواند بر هر یک از اعضای کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی در مشوره با رؤسای محکمه عالی و کمیسیون مستقل حقوق بشر تجدید نظر نموده و به عوض آن شخص دیگری را که واجد شرایط قانونی باشد برای مدت باقی مانده تصدی و وظیفه مذکور، تعیین نماید.

سایر امور مربوط به تشکیل و فعالیت کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و شصتم:

اعضای کمیسیون‌های مستقل انتخابات و شکایات انتخاباتی، واجد شرایط ذیل می‌باشند:

- ۱- تبعه افغانستان بوده و تابعیت دولت دیگر را نداشته باشند.
- ۲- سن کمتر از ۲۵ سال و بیشتر از ۶۵ سال نداشته باشند.
- ۳- دارای تعلیمات عالی حد اقل لیسانس باشند.
- ۴- تجارب کاری حد اقل پنج سال در امور اداره، مدیریت، محاسبه و یا امور عدلی و قضائی داشته باشند.
- ۵- به ارتکاب جرایم فساد اداری و جنایت از طرف محکمه با صلاحیت محکوم به مجازات و محروم از حقوق مدنی نشده باشند.
- ۶- دارای شهرت نیک باشند.

۷- در حین تصدی وظیفه عضویت هیچ حزب سیاسی را نداشته باشد.

ماده یکصد و شصت و یکم:

کمیسیون مستقل حقوق بشر به منظور حمایت و بهبود حقوق بشر و نظارت بر رعایت آن در افغانستان، تأسیس می‌گردد.

اعضای کمیسیون مستقل حقوق بشر به تعداد هفت تن از میان شخصیت‌های قابل اعتماد و اعتبار که در عرصه‌های حقوق بشری تعلیمات عالی و تجربه کاری حد اقل پنج ساله در عرصه‌های تدریس، تحقیق و یا در امور عدلی و قضائی داشته باشند به پیشنهاد نهادهای جامعه مدنی و علمی و اکادمیک توسط رئیس جمهور در مشوره با اعضای محکمه قانون اساسی و محکمه عالی برای مدت شش سال تعیین می‌گردند.

ماده یکصد و شصت و دوم:

رئیس کمیسیون مستقل حقوق بشر توسط اکثریت اعضای کمیسیون برای یک دوره سه ساله انتخاب می‌شود. کمیسیون می‌تواند به تصمیم حد اقل پنج عضو، یک عضو دیگر را به عوض رئیس کمیسیون، انتخاب نماید. در صورت استعفا، فوت و عزل یک عضو، معلولیت، معیوبیت و یا مریضی صعب العلاج که مانع اجرای وظیفه عضو گردد، رئیس جمهور شخص دیگری را در مشوره با رؤسای محکمه قانون اساسی و محکمه عالی، به حیث عضو کمیسیون مستقل حقوق بشر تعیین می‌نماید.

شرایط عضویت، تشکیل، صلاحیت، وظایف و سایر امور مربوط به کمیسیون مستقل حقوق بشر توسط قانون تنظیم می‌گردد.

ماده یکصد و شصت و سوم:

هر شخص می‌تواند در صورت نقض حقوق بشری خود به کمیسیون مستقل حقوق بشر شکایت نماید. کمیسیون موارد نقض حقوق بشری افراد را به مراجع قانونی راجع ساخته و در دفاع از حقوق آنها مساعی لازم را انجام می‌دهد.

فصل دوازدهم

حالت اضطرار

ماده یکصد و شصت و چهارم:

هرگاه به علت جنگ، خطر جنگ، اغتشاش و خیم، آفات طبیعی و یا حالت مماثل، حفظ استقلال و حیات ملی از مجرای که در قانون اساسی تعیین شده، ناممکن گردد، حالت اضطرار از طرف رئیس جمهور با تأیید مشرانو جرگه در تمام یا بعضی از ساحات کشور اعلان می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از دو ماه دوام نماید، برای تمدید آن، موافقت مشرانو جرگه شرط است.

ماده یکصد و شصت و پنجم:

در حالت اضطرار رئیس جمهور می تواند به مشوره رؤسای مجلسین شورای ملی و محکمه عالی، بعضی از صلاحیت های شورای ملی را به حکومت انتقال دهد.

ماده یکصد و شصت و ششم:

در حالت اضطرار، رئیس جمهور می تواند بعد از تأیید رؤسای مجلسین شورای ملی و محکمه عالی، تنفیذ احکام ذیل را معطل بسازد و یا بر آن ها قیودی وضع نماید:

۱- فقره دوم ماده بیست و ششم.

۲- ماده سی و پنجم.

۳- فقره دوم ماده سی و ششم.

۴- فقره دوم ماده سی و هفتم.

ماده یکصد و شصت و هفتم:

در حالت اضطرار، قانون اساسی تعدیل نمی شود.

ماده یکصد و شصت و هشتم:

هرگاه دوره تقنینیه شورای ملی، در حالت اضطرار ختم شود، برگزاری انتخابات جدید ملتوی گذاشته شده، مدت کار اعضای شورای ملی تا چهار ماه تمدید می شود.

هرگاه حالت اضطرار بیش از چهار ماه دوام نماید لویه جرگه از طرف رئیس جمهور دعوت می شود.

بعد از ختم حالت اضطرار، در خلال مدت دو ماه، انتخابات ولسی جرگه برگزار می‌گردد. در صورتیکه زمان ختم حالت اضطرار مصادف به فصل زمستان باشد، انتخابات الی اول اسد سال بعدی به تعویق می‌افتد.

ماده یکصد و شصت و نهم:

در ختم حالت اضطرار، اقداماتی که بر اساس مواد یکصد و شصت و پنجم و یکصد و شصت و ششم این قانون اساسی به عمل آمده، بلافاصله از اعتبار ساقط می‌گردد.

فصل سیزدهم تعدیل

ماده یکصد و هفتادم:

اصل پیروی از اساسات دین مقدس اسلام و نظام جمهوری اسلامی تعدیل نمی‌شود. تعدیل حقوق اساسی اتباع صرف به منظور بهبود حقوق آنان مجاز می‌باشد. تعدیل دیگر محتویات این قانون اساسی، نظر به تجارب و مقتضیات عصر، با رعایت احکام مندرج مواد یکصد و شصت و هفتم و یکصد و هفتاد و یکم این قانون اساسی، به پیشنهاد رئیس جمهور یا اکثریت اعضای شورای ملی صورت می‌گیرد.

ماده یکصد و هفتاد و یکم:

به منظور تهیه طرح تعدیل، هیئتی از بین اعضای حکومت، شورای ملی، محکمه قانون اساسی و محکمه عالی به فرمان رئیس جمهور تشکیل می‌گردد. برای تصویب طرح تعدیل، لویه جرگه بر اساس فرمان رئیس جمهور و مطابق به احکام ماده‌های پنجاه و پنجم و هشتم این قانون اساسی دایر می‌گردد. هرگاه لویه جرگه با اکثریت دو ثلث کل اعضاء، طرح تعدیل را تصویب کند، از تاریخ تصویب نافذ و توسط رئیس جمهور توشیح و اعلام می‌گردد. در صورت مطالبه تفسیر سیاسی قانون اساسی از طرف حکومت یا دو ثلث اعضای یکی از مجالس شورای ملی، لویه جرگه به فرمان رئیس جمهور دایر می‌گردد.

تفسیری که از جانب لویه جرگه صورت می‌گیرد به‌هیچ‌سند اساسی در جریده رسمی نشر می‌گردد.

فصل چهاردهم

احکام متفرقه

ماده یکصد و هفتاد و دوم:

رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، صدراعظم و سایر اعضای حکومت، رؤساء و اعضای محکمه قانون اساسی، محکمه عالی و کمیسیون‌های مستقل، دادستان کل، والیان و شهردارها در مدت تصدی وظیفه نمی‌توانند هیچ معامله انتفاعی را با دولت انجام دهند.

ماده یکصد و هفتاد و سوم:

رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، صدراعظم و سایر اعضای حکومت، رؤسا و اعضای شورای ملی، رؤسا و اعضای محکمه قانون اساسی، محکمه عالی و کمیسیون‌های مستقل، دادستان کل و والیان نمی‌توانند در مدت تصدی وظیفه به مشاغل رسمی دیگر اشتغال ورزند.

امور تدریس و تحقیق در موسسات عالی علمی و اکادمیک دولتی از این امر مستثنی می‌باشد.

ماده یکصد و هفتاد و چهارم:

اشخاصی که قبل از ختم دوره تصدی وظیفه در کرسی‌های انتخابی مندرج احکام این قانون اساسی، حد اکثر سن معینه قانونی آنها تکمیل گردد در صورتی که توانائی فزیک و فکری داشته باشند، تا ختم دوره تصدی، به وظیفه خود ادامه میدهند.

ماده یکصد و هفتاد و پنجم:

قضات، دادستان‌ها، صاحب منصبان ارتش ملی، پولیس و منسوبین امنیت ملی، در مدت تصدی وظیفه نمی‌توانند در احزاب سیاسی عضویت داشته باشند.

ماده یکصد و هفتاد و ششم:

دارائی رئیس جمهور، معاون رئیس جمهور، صدراعظم و سایر اعضای حکومت، رؤسا و اعضای شورای ملی، رؤساء و اعضای محکمه قانون اساسی، محکمه عالی و کمیسیون‌های مستقل و دادستان کل قبل و بعد از دوره خدمت توسط ارگانی که در قانون تعیین می‌گردد، ثبت، رسیدگی و نشر می‌شود.

ماده یکصد و هفتاد و هفتم:

برای معاون رئیس جمهور، صدراعظم و سایر اعضای حکومت، رؤساء و اعضای شورای ملی، رؤساء و اعضای محکمه قانون اساسی، محکمه عالی و کمیسیون های مستقل، دادستان کل و قضات مطابق به احکام قانون معاش مناسب تعیین می گردد.

ماده یکصد و هفتاد و هشتم:

این قانون اساسی از تاریخ تصویب لویه جرگه نافذ و از طرف رئیس جمهور توشیح و اعلام می گردد. با انفاذ این قانون اساسی، قوانین و فرامین تقنینی که مغایر احکام آن باشد، ملغی می گردد.